

﴿ ۴۵ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ

دعای امام سجاد علیه السلام در وداع با ماه مبارک رمضان

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ، وَيَا مَنْ

(۱) خدایا! ای که میل و رغبتی به پاداش ندارد؛ چون بی نیاز از آفریده‌هاست، و ای

لَا يَنْدِمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ

که بر عطا بخشی‌اش، پشیمان نمی‌شود، و ای که پاداش بنده‌اش را مساوی و برابر

عَلَى السَّوَاءِ، مِنْتِكَ ابْتِدَاءً، وَعَفْوُكَ تَفْضُلٌ،

نمی‌دهد؛ بلکه پاداشش بیش از عمل بنده‌است، نعمتت ابتداست، دست کسی در ساخت

وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ، وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ.

وپرداختش دخالت ندارد، و گذشتت احسان و مجازاتت عدالت، و فرمانت اختیاری است.

﴿ ۲ ﴾ إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَإِنْ

(۲) اگر عطا کنی، عطایت را به منت آلوده نمی‌کنی و اگر منع کنی،

مَنْعَتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعَدِيًّا؛ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ،

منعت بر پایه تجاوز نیست. کسی که تو را شکر کند، جزایش می‌دهی، در حالی

وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ، وَتُكَافِي مَنْ حَمَدَكَ،

که خودت شکر را به او الهام کردی، و کسی که تو را سپاس گوید، پاداشش

وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ؛ ﴿ ۳ ﴾ تَسْتُرُ عَلَى مَنْ

می‌بخشی، در صورتی که سپاس را خودت به او تعلیم دادی. (۳) پرده می‌پوشی بر کسی

لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَتَجَوَّدَ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ

که اگر می‌خواستی رسوایش می‌کردی. جود و کرم می‌کنی بر کسی که اگر

مَنْعَتَهُ، وَكِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ

می‌خواستی منعش می‌فرمودی، در حالی که هر دوی اینها از جانب تو سزاوار

وَالْمَنْعِ، غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفْضِيلِ،

رسوایی و منعند؛ اما چنین نمی‌کنی، چون تمام کارهایت را بر پایه احسان و تفضل

وَأَجْرِيَّتَ قُدْرَتِكَ عَلَى التَّجَاوُزِ، ﴿٤﴾ وَتَلَقَّيْتِ

بنا نهادی، و قدرتت را بر آیین گذشت به جریان انداختی. (۴) و با کسی که با تو

مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ، وَأَمَهَلْتِ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ

به مخالفت برخاسته، با بردباری روبه‌رو شدی، و کسی را که بر ستم به خود همت گماشت

بِالظُّلْمِ، تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَاتِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ، وَتَتْرُكُ

مهلت دادی، با حلم و بردباریت مهلتشان می‌دهی، تا به سویت باز گردند. شتاب در عقوبت را

مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ، لِكَيْ لَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ

وامی گذاری، تا به عرصه گاه توبه و بازگشت بنشینند، تا آن که از جانب تو سزاوار هلاکت

هَالِكُهُمْ، وَلَا يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيئُهُمْ، إِلَّا عَنِ

شده، هلاک نشود، و تیره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاکت و بدبختی آنان

طَوِيلِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ، وَبَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ

پس از طول مدتی است، که حرام و حلال را برای آنان روشن کردی، و پیوسته به عذاب

عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ؛ يَا كَرِيمٌ، وَعَائِدَةً مِنْ

تهیستان فرمودی، و عذر بسیاری از این قبیل در برابرشان قرار دادی، و پی در پی بر آنان اتمام حجت کردی.

عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ.

این همه، بر پایه کرم و بخششی از عفو توست ای بزرگوار! و سود و بهره‌ای است از مهربانی

﴿٥﴾ أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ،

تو ای بردبار! (۵) تویی که دری برای بندگانت به سوی عفو تو

وَسَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا

گشودی، و آن را توبه نامیدی، و بر آن در گشوده دلیلی

مِنْ وَحْيِكَ، لِيَأْتِيَ بِدَلِيلٍ، ﴿٦﴾ فَقُلْتَ

از وحیت قرار دادی، تا آن را گم نکنند، (۶) - ای که

- تَبَارَكَ اسْمُكَ -: «توبوا إلى الله توبَةً نَصُوحًا؛

نامت والا و مبارک است! - فرمودی: «به سوی خدا بازگردید؛

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ،

بازگشتی خالص باشد که پروردگار گناهانتان را محو کند و شما را وارد

وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ،

بهشت‌هایی کند که از زیر آنها نهرها روان است. روزی که خداوند،

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ

پیامبر و کسانی که به او ایمان آوردند، خوار نمی‌کند، نورشان پیش

يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا ائْتِمِمْ

رویشان، و از جانب راستشان در حرکت است. می‌گویند: خدایا!

لَنَا نُورُنَا، وَاعْفِرْ لَنَا؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، که تو بر هر کاری توانایی.»

﴿۷﴾ فَمَا عُدْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ،

(۷) پس بهانه و عذر کسی که پس از گشوده شدن در و اقامه دلیل،

بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟ وَ أَنْتَ الَّذِي

از ورود به عرصه گاه عفت غفلت کند چیست؟ و تویی که در

زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ

معامله با خود، به بهره و سود بندگانت افزودی، و در این داد و

رَبِحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ

ستدشان با تو، سودشان، و کامیابی و فوزشان به وقت ورود بر تو،

عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ، ﴿۸﴾ فَقُلْتَ - تَبَارَكَ

و بهره افزون را از جانب خود برای آنها خواسته‌ای. (۸) پس گفתי

اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ - : «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ

- ای که نامت مبارک و والاست! - «هر کس یک خوبی بیاورد، ده

أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»،

برابری برای اوست، و هر کس یک بدی بیاورد، جز به مانند آن عقوبت

وَ قُلْتَ: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ

نشود.» و فرمودی: «داستان آنان که اموالشان

اللَّهِ، كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ، فِي كُلِّ

را در راه خدا انفاق می‌کند، مانند دانه‌ای است که هفت

سُنْبُلَةٍ مِائَةِ حَبَّةٍ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»،

خوشه رویانده، در هر خوشه صد دانه است، و خدای برای هر که

وَقُلْتُ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا،

بخواهد، چند برابر می‌کند.» و گفتم: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد،

فِيضَاعِهِ لَهُ وَأَضْعَافًا كَثِيرَةً؟» وَمَا أَنْزَلَتْ مِنْ

تا خدا آن را برایش به چندین برابر بیفزاید.» و آنچه از نظایر این آیات

نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ، مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ.

درباره چندین برابر کردن خوبی‌ها در قرآن نازل فرمودی.

﴿٩﴾ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ،

(۹) و تویی که با گفتارت از غیبت خود، و تشویقت

وَتَرغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ

که بهره آنها در آن است، به اموری راهنمایی کردی که اگر آن امور را

عَنْهُمْ لَمْ تَدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ،

از ایشان می‌پوشاندی، دیدگانشان آنها را درک نمی‌کرد، و گوش‌هایشان

وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتُ: «أَذْكُرُونِي

فرا نمی‌گرفت و اندیشه و فکرشان به آنها نمی‌رسید. پس گفتم: «مرا یاد کنید

أَذْكُرْكُمْ، وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»، وَقُلْتُ:

تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزارید، و کفران نکنید.» و فرمودی:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ

«اگر شکر کنید، بر شما افزون می‌کنم و اگر ناسپاسی کنید، محققاً

عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، وَقُلْتُ: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ

عذاب من سخت است.» و گفتم: «مرا بخوانید تا شما را

لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

اجابت کنم. آنان که از عبادت من - دعا - تکبر می‌کنند،

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ».

به زودی خوار و ذلیل وارد جهنم می‌شوند.»

﴿۱۰﴾ فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَتَرَكَهُ اسْتِكْبَارًا،

(۱۰) دعا و خواندن خود را عبادت، و ترکش را استکبار نامیدی، و

وَتَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ،

بر ترک دعا به ورود در جهنم با ذلت و خواری تهدید کردی. بندگان

فَذَكَرُوكَ بِمَنِّكَ، وَشَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ،

واقعیات، به خاطر نعمت تو را یاد کردند، و به سبب احسانت

﴿۱۱﴾ وَدَعَوُوكَ بِأَمْرِكَ، وَتَصَدَّقُوا لَكَ طَلَبًا

به شکرگزاری برخاستند، (۱۱) و به فرمانت تو را خواندند، و برای

لِمَزِيدِكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ،

گرفتن عطای افزونت صدقه دادند، نجاتشان از خشمت، و کامیابیشان

وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ؛ وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ

به خشنودیت در این امور بود. و اگر مخلوقی از جانب خودش

نَفْسِهِ، عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَتُكَ مِنْكَ،

مخلوقی دیگر را، به همین گونه که تو بندگان را راهنمایی کردی،

كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ، وَ مَنَعُوتًا بِالْإِمْتِنَانِ،

راهنمایی می‌کرد، موصوف با احسان، و نعمت بخشی بود، به هر

وَمَحْمُودًا بِكُلِّ لِسَانٍ؛ ﴿١٢﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ مَا

زبانی مورد ستایش قرار گرفته بود. (۱۲) پس تو را سپاس تا آنجا که

وُجِدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ، وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ

در سپاست راهی یافت شود، و تا آنجا که برای سپاس، کلمه‌ای که به آن

تُحْمَدُ بِهِ، وَمَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ؛ يَا مَنْ تَحَمَّدَ

ستوده شدی، و معنایی که به سپاس منحرف شود، باقی باشد. ای که با

إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَّرَهُمُ بِالْمَنِّ

احسان و فضل، بندگانش را به سپاس فرا خوانده و آنان را در دریای نعمت و عطا

وَالطُّوْلِ.

غرق کرده،

﴿١٣﴾ مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَكَ! وَاسْبَغَ عَلَيْنَا

(۱۳) چه آشکار و پخش است نعمتت در عرصه حیات ما، و چه

مِنْتَكَ! وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ! هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي

سرشار و فراوان است عطایت بر ما، و چه قدر ما را به نیکی و احسانت اختصاص

اصْطَفَيْتَ، وَمِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ، وَسَبِيلِكَ

داده‌ای! ما را به دینت؛ دینی که برگزیده‌ای، و به آیینت؛ آیینی که پسندیده‌ای

الَّذِي سَهَّلْتَ، وَبَصَّرْتَنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ،

و راحت؛ راهی که هموار کرده‌ای هدایت فرمودی، و به چیزی که مایه قرب

وَالْوُصُولَ إِلَى كِرَامَتِكَ.

به توست، و زمینه رسیدن به کرامتت، بینا کردی.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ

(۱۴) خدایا! تو از خالصترین آن وظایف،

الْوِظَائِفِ، وَخَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ

و برگزیدهترین آن فرائض، ماه رمضان

رَمَضَانَ، الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ،

را قرار دادی که آن را از میان سایر ماهها برگزیدی،

وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالذُّهُورِ، وَأَثَرْتَهُ

و از میان همه زمانها و روزگارا انتخاب فرمودی، و بر تمام اوقات

عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ، بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنْ

سال ترجیح دادی؛ به خاطر آن که قرآن

الْقُرْآنِ وَالنُّورِ، وَضَاعَفْتَ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ،

و نور را در آن نازل کردی، و ایمان را در آن چند برابر ساختی،

وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ، وَرَعَبْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ،

و روزه گرفتن در آن را واجب کردی، و به شب زندهداری در آن

وَأَجَلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ

تشویق فرمودی، و شب قدر را در آن که از هزار شب بهتر است،

أَلْفِ شَهْرٍ؛ ﴿١٥﴾ ثُمَّ أَثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَّمِ،

بزرگ داشتی. (۱۵) سپس ما را به سبب آن، بر دیگر امتها ترجیح

وَاصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ، فَصُمْنَا

دادی، و در پرتو فضلش ما را از میان همه ملتها برگزیدی. پس به فرمانت روز را

بِأَمْرِكَ نَهَارِهِ، وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلِهِ، مُتَعَرِّضِينَ

روزه گرفتیم، و شبش را به یاریت به عبادت برخاستیم، در حالی که خود را به سبب

بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، لِمَا عَرَّضْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ،

روزه و شب زنده داریش در معرض رحمت قرار دادیم؛ زیرا خودت ما را در این ماه

وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ، وَأَنْتَ الْمَلِكُ بِمَا

در معرض رحمت قرار دادی، و آن را وسیله رسیدن به پاداشت انتخاب کردیم، و

رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلَتْ مِنْ فَضْلِكَ،

تو به انجام آنچه از درگاہت طلب شود توانایی، و به آنچه از احسانت درخواست

الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ.

شود، جواد و بخشنده‌ای، به کسی که برای تقرّب به تو بکوشد قریب و نزدیکی.

﴿١٦﴾ وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرَ مُقَامَ حَمْدٍ،

(۱۶) به تحقیق این ماه در بین ما، در مرتبه و محل ستوده‌ای است، و

وَصَحِبْنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ، وَأَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ

با ما مصاحبت کرد؛ مصاحبتی پسندیده و نیکو، و ما را به برترین بهره‌های

الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَانْقِطَاعِ

جهانیان، سودمند کرد. سپس هنگام پایان یافتن وقتش، و به سر رسیدن

مُدَّتِّهِ، وَوَفَاءِ عَدْدِهِ، ﴿١٧﴾ فَنَحْنُ مُوَدَّعُوهُ

مدّتش، و کامل شدن روزهایش از ما جدا شد. (۱۷) پس ما او را وداع

وَدَاعٍ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا، وَغَمَّنَا وَأَوْحَشَنَا

می‌کنیم؛ وداع کسی که هجرانش بر ما سخت و غم‌انگیز است، و

انصِرَافُهُ عَنَّا، وَ لَزِمْنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَحْفُوظُ،

روگرداندنش ما را غم زده و دچار وحشت کرد. برای او برعهده ما

وَ الْحُرْمَةُ الْمَرَعِيَّةُ، وَ الْحَقُّ الْمَقْضِيُّ، فَ نَحْنُ

پیمانی محفوظ، و حرمتی در خور رعایت، و حقی واجب الاداء

قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ،

لازم شد. بر این اساس می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا!

وَ يَا عِيدًا أَوْلِيَاءِهِ؛ ﴿١٨﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ

و ای عید دوستانش! (۱۸) سلام بر تو ای از میان

مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَ يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ

اوقات، گرمی‌ترین همنشین! و ای بهترین ماه در ایام

وَ السَّاعَاتِ؛ ﴿١٩﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ

و ساعات! (۱۹) سلام بر تو؛ ماهی که در آن آرزوها و حاجات، به برآورده شدن

فِيهِ الْأَمَالُ، وَ نَشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ؛ ﴿٢٠﴾ السَّلَامُ

نزدیک است، و اعمالی که موجب خشنودی خداست در آن پخش شده. (۲۰) سلام

عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا، وَ أَفْجَعَ

بر تو؛ همنشینی که هنگام موجود بودن منزلتش بزرگ، و وقت مفقود شدن

فَقْدُهُ مَفْقُودًا، وَ مَرَجُّو أَلَمِ فِرَاقِهِ؛ ﴿٢١﴾ السَّلَامُ

فقدانش دردناک، و مایه امیدی که دوریش رنج آور است. (۲۱) سلام بر

عَلَيْكَ مِنْ أَلْفِ أَنْسٍ مُقْبِلًا فَسْرًا، وَ أَوْحَشَ

تو همدمی که چون رو کند، مونس گردد و مسرور و شاد کند، و زمانی که سپری

مُنْقَضِيًا فَمَضَّ؛ ﴿٢٢﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ

شود، به وحشت اندازد، و دلها را به درد آورد. (۲۲) سلام بر تو، همسایه‌ای

رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ، وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ؛ ﴿٢٣﴾

که دلها در آن نرم، و گناهان در او کم شد. (۲۳)

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ،

سلام بر تو یآوری که ما را در مبارزه با شیطان یاری داد،

وَصَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ؛ ﴿٢٤﴾ السَّلَامُ

و رفیقی که راه‌های احسان را هموار و آسان ساخت. (۲۴) سلام

عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُقَّاءَ اللَّهِ فِيكَ! وَمَا أَسْعَدَ

بر تو، چه بسیارند آزادشدگان خدا در تو، و چه خوشبخت است

مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ! ﴿٢٥﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا

کسی که حرمتت را محض وجود خودت رعایت کرد. (۲۵) سلام بر تو، چه بسیار

كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَأَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ!

گناهان را محو کردی و چه بسیار عیب‌ها را پوشاندی.

﴿٢٦﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى

(۲۶) سلام بر تو، چه طولانی بودی

الْمُجْرِمِينَ، وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ!

بر گناهکاران و چه با هیبت بودی در قلوب اهل ایمان.

﴿٢٧﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ لَا تُنَافِسُهُ الْآيَّامُ؛

(۲۷) سلام بر تو؛ ماهی که تمام زمان‌ها قدرت رقابت با او را ندارند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ؛

سلام بر تو؛ ماهی که نسبت به هر کاری مایه سلامتی است.

﴿٢٨﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبَةِ،

(٢٨) سلام بر تو؛ که مصاحبت و همنشینی‌اش ناپسند، و

وَلَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَةِ؛ ﴿٢٩﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا

معاشرتش نکوهیده نیست. (٢٩) سلام بر تو، چنانکه

وَفَدَتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ

با برکات بر ما وارد شدی، و چرک خطاها را

الْخَطِيئَاتِ؛ ﴿٣٠﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ

از ما شستی. (٣٠) سلام بر تو که وداع با تو؛ نه از باب

بَرَمًا، وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَامًا؛ ﴿٣١﴾ السَّلَامُ

خستگی، و فراغت از روزه‌ات، نه به خاطر ملالت است. (٣١) سلام

عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ، وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ

بر تو که قبل از آمدنش خواستارش بودیم، و پیش از رفتنش بر او

قَبْلَ فَوْتِهِ؛ ﴿٣٢﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمِنْ سَوْءٍ

اندوه‌گینیم. (٣٢) سلام بر تو، چه بدی‌ها که به سبب

صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا؛

تو از ما برطرف شد و چه خوبی‌ها که به وسیله تو بر ما فرو ریخت.

﴿٣٣﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ

(٣٣) سلام بر تو، و بر شب قدری که از

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ ﴿٣٤﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ

هزار ماه بهتر است. (۳۴) سلام بر تو، دیروز

أَحْرَصْنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ، وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا

نسبت به تو چه حریص بودیم، و فردا به سوی تو چه بسیار

إِلَيْكَ! ﴿٣٥﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ فَضْلِكَ الَّذِي

شوق داریم. (۳۵) سلام بر تو و بر فضیلتت که از

حُرْمَنَاهُ، وَعَلَىٰ مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلْبِنَاهُ.

آن محروم شدیم و بر برکات گذشته‌ات که از ما گرفته شد.

﴿٣٦﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا

(۳۶) خدایا! ما اهل این ماهیم، که ما را به سبب آن شرافت و بزرگی بخشیدی، و

بِهِ، وَوَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ، حِينَ جَهَلِ الْأَشْقِيَاءِ

با لطف و احسانت بر انجام اعمالش ما را موفق فرمودی. هنگامی که تیره بختان

وَقْتَهُ، وَحَرَمُوا لِشِقَائِهِمْ فَضْلَهُ؛ ﴿٣٧﴾ أَنْتَ وَوَلِيُّ

وقتش را شناختند، و از بخت بدشان، از فضیلتش محروم شدند. (۳۷) تویی صاحب

مَا أَثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ، وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ،

اختیار و سرپرست، که ما را به شناسایی آن برگزیدی، و به راه و روش آن

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَىٰ

هدایت‌مان کردی، و ما به توفیق تو، با همه کوتاهی و تقصیر، عهده دار روز و

تَقْصِيرٍ، وَ أَدِينَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ.

شب زنده‌داری او شدیم، و در آن اندکی از بسیار را به جا آوردیم.

﴿۳۸﴾ اللَّهُمَّ فَلْتَ الْحَمْدُ اقْرَارًا بِالِإِسَاءَةِ،

(۳۸) خدایا! تو را سپاس؛ در حالی که به بدی‌ها مانا اقرار،

وَاعْتِرَافًا بِالِإِضَاعَةِ، وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدٌ

و به ضایع کردن ماه مبارک و هم چنین به تباہ کردن اعمالمان اعتراف داریم،

النَّدَمِ، وَ مِنْ أَسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ،

و برای تو در دل‌ها مانا پشیمانی پا برجا و ثابت، و در زبانمان عذر صادقانه قرار دارد.

فَأَجْرُنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ، أَجْرًا

بر این اساس در برابر تقصیر و تفریطی که در این ماه گریبان‌گیر ما شد، پاداشی

نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ، وَ نَعْتَاضُ

عنایت کن که از پرتو آن پاداش فضیلت دلخواه‌مان را در این ماه به دست آوریم،

بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ، وَ أَوْجِبُ

و اندوخته‌های گوناگون را که مورد علاقه است عوض بستانیم،

لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَ ابْلُغْ

و عذر ما را در کوتاهی از ادای حقت پذیر، و

بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ آيِدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ؛

عمرهای ما را، که پیش روی ماست، به ماه رمضان آینده برسان،

﴿۳۹﴾ فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ، فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

(۳۹) و چون ما را به آن رساندی، بر انجام عبادتی که شایسته

مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنْ

توست یاریمان فرما، و به انجام طاعتی که سزاوار آن ماه است

الطَّاعَةِ، وَاجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ، مَا يَكُونُ

برسان، و عمل شایسته‌ای که موجب تدارک حق توست،

دَرَكًا لِحَقِّكَ، فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شَهْرِ الدَّهْرِ.

در آن دو ماه از ماه‌های روزگار به دست ما جاری فرما.

﴿٤٠﴾ اللَّهُمَّ وَمَا الْمَمْنَابِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ

(۴۰) خدایا! در هر گونه لغزشی که در این ماه رمضان وارد شدیم

أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ، وَاکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ

از گناه کوچک یا بزرگ، یا معصیتی که در آن مرتکب شدیم، یا

خَطِيئَةٍ، عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ، ظَلَمْنَا

خطایی که در آن کسب کردیم، از روی عمد، یا فراموشی، که در آن

فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوْ أَنْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا؛

به خود ستم روا داشتیم، یا به آن پرده حرمت دیگری را دریدیم،

﴿٤١﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ،

(۴۱) پس بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به پرده پوشیت بپوشان، و به

وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَلَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ

گذشتت از ما بگذر، و ما را به خاطر گناهی که کردیم، در برابر دیده شماتت

الشَّامِتِينَ، وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ،

کنندگان قرار مده، و زبان طعنه زندگان را به روی ما باز مکن، و ما را از

وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ

باب رأفت و لطفت که پایان نمی‌پذیرد، و بر پایه احسانت که کاستی ندارد،

مِنَّا فِيهِ؛ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ، وَفَضْلِكَ الَّذِي

به اعمالی بدار که باعث ریزش گناهان، و کفاره اموری شود که در این ماه،

لَا يَنْقُصُ.

از ما ناپسند شمردی.

﴿٤٢﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ

(٤٢) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مصیبت

مُصِيبَتِنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا

از دست رفتن رمضان را جبران کن و روز عید

وَ فِطْرِنَا، وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا،

و فطرمان را بر ما مبارك فرما، و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته قرار ده،

أَجْلِبْهُ لِعَفْوٍ، وَ امْحَأْ لِدَنْبٍ، وَ اغْفِرْ لَنَا مَا

جلب کننده ترین روز نسبت به عفو، و محو کننده ترین زمان برای گناه،

خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ.

و معاصی پنهان و آشکارمان را بیامرزد.

﴿٤٣﴾ اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ

(٤٣) خدایا! با گذشتن این ماه از خطاهای ما بگذر،

خَطَايَانَا، وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا،

و با خارج شدنش، ما را از گناهانمان خارج کن،

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اجْزَلِهِمْ قِسْمًا

و ما را از خوشبخت ترین اهل این ماه به آن و پرنسب ترین

فِيهِ، وَأَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ.

آنان در آن، و بهره‌مندترین ایشان از آن قرار ده.

﴿٤٤﴾ اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ،

(٤٤) خدایا! کسی که این ماه را آن طور که می‌بایست رعایت کرد، و

وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَقَامَ بِحُدُودِهِ

احترامش را به نحوی که شایسته بود حفظ نمود، و حدودش را به صورتی

حَقَّ قِيَامِهَا، وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا، أَوْ تَقَرَّبَ

که سزاوار بود به پای داشت، و از گناهانش به طور کامل پرهیز کرد یا

إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ لَهُ، وَعَطَفَتْ

به وسیله عمل خالصی به تو تقرّب جست، عملی که موجب خشنودیت،

رَحْمَتِكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ،

و معطوف کردن رحمت بر اوست، پس مانند آنچه به او بخشیدی، بر

وَأَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ؛ فَإِنَّ فَضْلَكَ

ما هم از توانگریت ببخش، و چندین برابر آن را از احسانت به ما عطا

لَا يَغِيضُ، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ،

کن. مسلماً احسانت کاستی نمی‌پذیرد، و خزاینت نقصان پیدا نمی‌کند؛

وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى، وَإِنَّ عَطَاءَكَ

بلکه افزون می‌شود، و همانا معادن احسانت از بین نمی‌رود، و قطعاً

لِلْعَطَاءِ الْمُهَنَّا.

عطای تو عطایی است گوارا.

﴿٤٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاکْتُبْ

(۴۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و برای ما پاداشی، همانند پاداش

لَنَا مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ

کسی که این ماه را روزه گرفت، یا در آن تا روز قیامت به بندگیت برخاست،

الْقِيَامَةِ.

ثبت فرما.

﴿٤٦﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا، الَّذِي

(۴۶) خدایا! در روز فطرمان که آن را برای مؤمنین عید و سرور، و

جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا، وَلِأَهْلِ

برای اهل آیینت روز اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاهت از

مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَمُحْتَشِدًا، مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ،

هر گناهی که مرتکب شدیم، یا کار زشتی که از پیش فرستادیم، یا

أَوْ سَوْءِ أَسْلَفِنَاهُ، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ، تَوْبَةً

اندیشه سوئی که در باطنمان پنهان داشتیم، توبه می‌کنیم؛ توبه کسی

مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعِ إِلَى ذَنْبٍ، وَلَا يَعُودُ

که خیال بازگشت به گناه را ندارد، و پس از آن به دامن خطایی

بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ، تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنْ

بر نمی‌گردد؛ توبه‌ای خالص که از شک و تردید پاک باشد؛ پس

الشَّكِّ وَالْإِرْتِيَابِ، فَتَقَبَّلَهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا،

آن را از ما بپذیر و از ما خشنود باش، و ما را بر آن توبه

وَتَبَّتْنا عَلَيْهَا.

ثابت قدم دار.

﴿٤٧﴾ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ،

(٤٧) خدایا! ترس از عذاب وعده شده،

وَشَوْقِ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا

و شوق ثواب موعود را روزی ما فرما، تا لذت آنچه که

نَدْعُوكَ بِهِ، وَكَأَبَةِ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ.

از تو می خواهیم و اندوه آنچه که از آن به تو پناه می بریم در یابیم،

﴿٤٨﴾ وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ، الَّذِينَ

(٤٨) و ما را نزد خود از توبه کنندگانی که محبتت را

أَوْجَبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ، وَقَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةً

بر آنان ختم کردی، و بازگشت به طاعتت را از ایشان پذیرفتی

طَاعَتِكَ؛ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ.

قرار ده؛ ای عادلترین عادلان!

﴿٤٩﴾ اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَن آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا، وَأَهْلِ

(٤٩) خدایا! از تمام پدران و مادران و اهل دینمان بگذر؛

دِينِنَا جَمِيعًا مَن سَلَفَ مِنْهُمْ، وَمَن غَبَرَ إِلَى يَوْمِ

چه هر که از ایشان درگذشته، و چه آنها که تا روز

الْقِيَامَةِ.

قیامت خواهند آمد.

﴿٥٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ، كَمَا

(۵۰) خدایا! بر محمد پیامبر ما و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر

صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

فرشتگان مقربت درود فرستادی، و بر او

وَآلِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ،

و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر پیامبران مرسلت درود فرستادی،

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ

و بر او و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر بندگان شایسته‌ات

الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

درود فرستادی، و برتر و بهتر از آن را، ای پروردگار جهانیان،

صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا، وَيُنَالُنَا نَفْعُهَا، وَيُسْتَجَابُ

درودی که برکتش به ما رسد، و سودش نصیب ما شود، و به خاطر آن دعايمان

لَهَا دُعَاؤُنَا؛ ﴿٥١﴾ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ،

مستجاب گردد. (۵۱) تو بزرگوarter کسی هستی که به او روی آورده شده،

وَأَكْفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطَى مَنْ سُئِلَ

و بی‌نیاز کننده‌تر کسی هستی که به او اعتماد شده، و بخشنده‌تر کسی هستی که

مِنْ فَضْلِهِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

احسانش درخواست شده، و تو بر هر کاری توانایی.